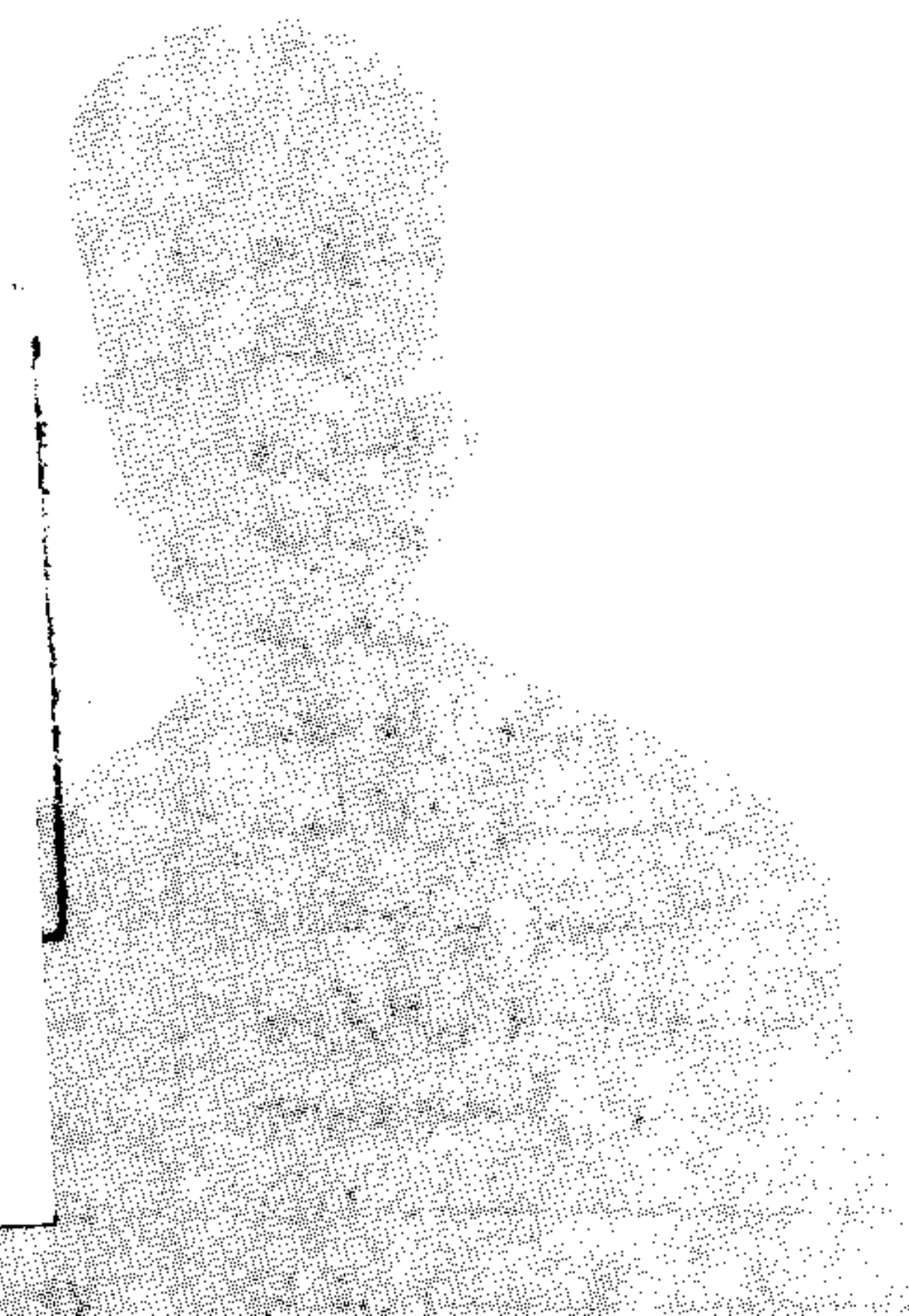


به کوشش محمد علی سلطان

فیضیت شریطیت در
کرماتشاه و کنگاور

یادداشت‌ها و خاطرات
میرزا فرج الله خان معتمدی و امان الله خان ساری اصلان امیرتومان



سلطانی، محمدعلی، ۱۳۳۶ - .

نهضت مشروطیت در کرمانشاه و کنگاور: یادداشت‌ها و
خاطرات میرزا فرج‌الله‌خان معتمدی و امان‌الله‌خان ساری اصلان
امیرتومان / به کوشش محمدعلی سلطانی. -- تهران: مؤسسه
تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۲۷۶ ص: نمونه، عکس. --)

ISBN: 964-8168-94-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
کتابنامه.
نمایه.

۱. معتمدی، فرج‌الله، ۱۲۷۳-۱۳۶۲. -- خاطرات. ۲. ایران. --
تاریخ. -- مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق. -- کرمانشاه. ۳. ساری
اصلان، امان‌الله، ۱۳۱۸. -- خاطرات. ۴. ایران. -- تاریخ. -- انقلاب
مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق. -- کنگاور. الف. مؤسسه تحقیقات
و توسعه علوم انسانی. ب. عنوان. ج. عنوان: یادداشت‌ها و
خاطرات میرزا فرج‌الله‌خان معتمدی و امان‌الله‌خان ساری
اصلان امیرتومان.

۹۵۵/۰۷۵۰۹۲۲

DSR۱۴۴۰/س۸ن۹

کتابخانه ملی ایران ۲۶۱۶۲-م۸۴



به کوشش |
ناشر |
ویراستار |
طراح جلد |
حروف‌نگار |
صفحه‌آرا |
شمارگان |
نوبت چاپ |
لیتوگرافی |
چاپ و صحافی |

محمدعلی سلطانی |
انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی |
آرش امجدی |
حسن کریم‌زاده |
لیلی جعفری |
مرتضی انصاف‌منش |
۱۲۰۰ نسخه |
اول / ۱۳۸۵ |
ترمه |
رامین |
حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است |
تهران، خیابان زرتشت غربی، شماره ۷۶ |
۸۸۹۸۳۱۷۹ و ۸۸۹۸۳۱۸۰ |
۸۸۹۸۳۱۷۸ |

© |

نشانی |

تلفن |

نمبر |

تقدیم به روح یادگار ارجمند ساری اصلان،
ژینای مؤمن نازنین

فهرست مطالب

بخش اول: نهضت مشروطیت در کنگاور، خاطرات امان‌الله‌خان ساری اصلان	
امیر تومان.....	۹
نگاهی به پیشینه خاندان ساری اصلان افشار.....	۱۳
اشاره.....	۲۷
شیوه تصحیح متن.....	۳۱
ورود سالارالدوله به کرمانشاه و آغاز ماجرا.....	۳۵
ورود عبدالحسین میرزا فرمانفرما و استقرار مشروطه.....	۹۵
بخش دوم: نهضت مشروطیت و پی‌آمدهای آن در کرمانشاه، یادداشت‌ها و	
خاطرات میرزا فرج‌الله خان معتمدی.....	۱۳۷
نگاهی به پیشینه خاندان معتمدی.....	۱۴۱
نمایه کسان.....	۲۵۱
نمایه شهرها، کشورها، روستاها، خاندان‌ها، ایلات و طوایف.....	۲۷۳

بخش اول

نهضت مشروطیت در کنگاور

خاطرات امان‌الله‌خان ساری‌اصلان امیر تومان



امان الله خان ساری اصلان امیر تومان حکمران کنگاور

(نویسنده خاطرات)

نگاهی به پیشینه خاندان ساری اصلان افشار

خاندان افشار از دیرباز ناحیه‌ای را به مرکزیت اسدآباد که از شرق منطقه صحنه تا خاکریز را در برمی‌گیرد، در اختیار داشته‌اند.^(۱) مرکز حکومت آنها را اکثراً بهار نوشته‌اند و آنان را بازماندگان سلاجقه می‌دانند که اقتدار محلی و منطقه‌ای آنان به سلیمان‌شاه ایوه ختم می‌شود. پس از آن سران خاندان افشار به رسم ایلی در منطقه حکومت داشتند و نسل بعد از نسل مورد نظر سلاطین و پادشاهان بودند. در عهد قاجاریه دو خاندان از افشارها - قاسملوی افشار و عاشق‌قلر (قراگزلو) - که با پادشاهان قاجار پیوند سببی داشتند، در این منطقه حاکم بلامنازع بودند. بزرگان این دو خاندان آیین ایلی را به سران طوایف و بیگلربیگیان محلی واگذار کرده بودند و خود در مراکز کنگاور و اسدآباد به رسم حکام و سلاطین، زندگانی اشرافی داشتند و آداب و رسوم درباری را تقلید و مَنش پایتخت‌نشینی را مراعات می‌کردند و در تمام عزل و نصب‌های حکام، شهرهای کنگاور و اسدآباد در قلمرو حکومت خاندان‌های مزبور بود و جزء متصرفات حکمرانان منصوب درباری محسوب نمی‌شد.

تاریخ رجال ایران که از قاپوچی‌ها و ... عصر قاجاریه نیز نام برده و به شرح و

۱. ان لمتون، «تاریخ ایلات ایران»، ترجمه علی تبریزی، مجموعه کتاب آگاه، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲، ص ۲۳۰.

تفصیل پرداخته است؛ به هر جهت از نام و یاد و احوال بزرگان این دو خاندان که تواریخ عهد قاجاریه از شجاعت و سلحشوری و مبارزات ایران‌خواهی آنان لبریز است، حتی به اشاره یاد نکرده و مهر سکوت بر لب دارد، رضاقلی خان هدایت، نیای این خاندان را در مأموریت سرکوبی طغیان شاهسون و انجام مأموریت‌های نظامی در واقعه مرزی جنگ ایران و روس این گونه می‌شناساند: «اما فرج‌الله خان افشار که امیری بود مریخ‌صلابت و کیوان‌مهابت به اردبیل رفته، نظر علی خان و فرج‌الله خان شاهسون هم او را که حاکم و نایب اردبیل بوده به دست آورده مقید و مغلول به حضور پادشاه عهد فرستاد و بر سر مصطفی خان طالش رفته او نیز به استظهار روسیه که در میان پشت ساری بندرگاه روس و سالیان توقف داشتند، قدم تهور و جرأت پیش نهاده، به منزل دریغ خرامید، به محض مقابله تاب مقاتله نیاورده، از منزل دریغ با ناله و دریغ منهزم شده در قلعه لنکران خزیده و دلیران افشار در آن حصار محصورش ساختند؛ از آنجا نیز فرار کرده از روی آب به ساحل جامیش وان شتاب کرد؛ لشکر به قلعه ریختند به التهاب و التهاب و کشتن و بستن و کندن و سوختن و آتش زدن و افروختن لنکران پرداختند و از آنجا به جامیش وان رفتند و میرزا محمد خان لاریجانی به معاونت نایب‌السلطنه [عباس میرزا] شفعا برانگیخت، میرزا بزرگ وزیر بی‌نظیر فراهانی به استمالت و اطمینان او رفته، بعد از قرار کار فرج‌الله خان به اردوی بزرگ باز آمد.»^(۱)

در دوره فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هجری قمری) با وجود حکمرانی محمدعلی میرزای دولت‌شاه بر سراسر ایران غربی و همچنین در حکومت سراسری محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله فرزند دولت‌شاه بر غرب

۱. رضاقلی هدایت، تاریخ روضة‌الصفای ناصری، جلد نهم، تهران، انتشارات خیام و ...

نگاهی به پیشینه خاندان ساری اصلان افشار ۱۵

ایران، فرج‌الله خان افشار در کنگاور به حکومت بالاستقلال اشتغال داشت و در همین ایام به عمران ابنیه‌خیریه و موقوفات مدرسه طلاب و ایجاد بنای رفاهی اقدام که متن کتیبه‌های زیر دلیل واضح است.
(سنگ وقفنامه‌ای به بلندی ۱۱۵ و پهنای ۱۰۰ سانتیمتر در حیاط بقعه است که این عبارات در سیزده سطر بر آن خوانده می‌شود:

بسم‌الله تعالی

چون اشرف طاعات و افضل قربات طریق اوقاف است که سالکش در دنیا به نام نیاء و حسن صفات معروف و در عقبی به رفیع درجات موصوف نام نیکوگر بماند ز آدمی، به کزو ماند سرای زرنگار، لاجرم به تاریخ هذاه‌السنه تنگوزئیل خیریت دلیل وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی نمود سرکار دولت و اقبال همراه حشمت و جلالت دستگاه مقرب‌الخاقان فرج‌الله خان هشت باب از دکاکین اهدایی واقع در این قصبه را برابر کاروانسرای قدیمی و حمام جدید و یک باب آسیابی که متصل به باغ نقی‌ست و دو شعیر از مزارع کنگاور به جهت مصارف اخراجات طلابی که ساکن مدرسه‌ایشانند و تولیت را به سرکار ذوی‌العز و الاقتدار عبدالله خان الملقب به باباخان فرزند سعادت‌مند خود مفوض نمود و بعد به ارشد اولاد مذکور او بطناً بعد بطن

حرره محمد حسن کنگاوری^(۱) یوم‌الغدیر سنه ۱۲۴۲

کتیبه‌ای بر سنگ در مسجد جامع کنگاور

سنگ مرمری به ابعاد ۳۶×۸۵ سانتیمتر در دیوار کفش‌کن، قرار داده شده

۱. مسعود گلزاری، کرمانشاهان و کردستان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، بی‌تا، ص ۱۶۲.

است که عبارات زیر در یازده سطر آن خوانده می‌شود:

بحمدالله تعالی در عهد خسرو گیتی‌ستان فتحعلی‌شاه قاجار بنده درگاه
فرج‌الله افشار وقف مؤبد نمود به جهت مصارف مدرسه کنگاور شش‌دانگ حمام
جد یدالبنای و طاحونه متصل به باغ نقی و هشت باب دکاکین مقابل کاروانسرای
قدیم و دو شعیر از مزارع قصبه مرقومه و تولیت را به فرزند ارجمند خود عبدالله
خان [خان باباخان] مفوض نمود و بعد به ارشد اولاد ذکور مزبور بطناً [۱] الی بعد
بطن الی یوم‌القیمه

حرره فی شهر المحرم ۱۲۴۳ «خلیل‌الحسین»^(۱)

بعد از فرج‌الله خان افشار فرزندش امان‌الله خان که کشیکچی باشی خاص
سراپرده شاهی بود به حکومت رسید، ریاست ایلات افشار و نیابت حکومت را
به نزدیکان و اگذار و خود با حفظ سمت در تهران به سر می‌برد احمد میرزا
عضدالدوله می‌نویسد: «امان‌الله افشار و امیر اصلان خان پسرش سفرراً و حضراً
همه شب در کشیک حاضر می‌شدند و به معیت آنها هر شبی پنج نفر از
خواجه‌سرایان هم حاضر کشیک بودند. اسامی شاهزادگان کشیک که مقیم دربار و
حکومت و مأموریتی نداشتند این است...»^(۲) و گویا شاهزادگان مزبور نیز در
تحت ریاست وی انجام وظیفه می‌کرده‌اند.

محمدشاه قاجار در سال ۱۲۵۷ هجری قمری در مراجعت از اصفهان به
کنگاور رفته و به اتفاق ناصرالدین میرزای ولیعهد که در آن زمان نه ساله بود، بر
امان‌الله خان وارد گردید و وی میزبان شاهی بود.

رحمت‌الله خان افشار معروف به ساری اصلان از رجال برجسته اواخر دوره
محمدشاه و سراسر عصر ناصرالدین میرزا محسوب می‌شود؛ رحمت‌الله خان که خاندان

۱. مسعود گلزاری، ص ۱۷۳

۲. احمد میرزا عضدالدوله، تاریخ عضدی، کوهی کرمانی، تهران، نشر سرو، ۱۳۶۲، ص ۹۵.

نگاهی به پیشینه خاندان ساری اصلان افشار ۱۷

ساری اصلانی به مناسبت لقب او این شهرت را برگزیده‌اند، علاوه بر حکومت دائمی کنگاور و منصب موروثی کشیکچی‌باشی سرپرده شاهی، الزاماً به حکومت ولایات فرستاده می‌شد، و به همین جهت زمانی نیز حکومت دامغان و سمنان را داشت. (۱)

دکتر باستانی پاریزی در کتاب فرمانفرمای عالم به مناسبتی درباره رحمت‌الله خان ساری اصلان به نقل از رساله کوه‌بنانی و خاطرات روزنامه اعتمادالسلطنه به تمام و کمال ادای مطلب کرده است: وی به نقل از رساله ابوالحسن خان کوه‌بنانی، متعلق به دکتر روح‌الامینی [ص ۳۸] از قول صاحب رساله که در جریان گرفتاری و تظلمی از ستم فرمانفرمای کرمان که در تهران به منزل مرحوم رحمت‌الله خان ساری اصلان وارد شده دادخواهی می‌کنند، می‌نویسد: «درست اطلاع نداریم که چطور شد تا این پیرمرد از دست حکام کرمان به خانه ساری اصلان راه یافته و در واقع از ترس گرگان درنده حاکم، خود را به کام شیر زرد انداخته است؟»

این شخص رحمت‌الله خان ساری اصلان است - [نه ساری اصلان معروف که از ایروان به عباس میرزا پناهنده شد] - رحمت‌الله خان سال‌ها تیول کنگاور را داشت و این روزها آجودان شاه به شمار می‌رفت. این مرد آنقدر مقرب بود که یک بار «حرفی مابین ساری اصلان با امین‌السلطان شده بود، امین‌السلطان فحش داده بود، شیر زرد که ساری اصلان باشد به حضور همایون رفته و زمین بوسیده بود، ... استعفا از نوکری کرده بود، شاهنشاه خیلی بدشان شده بود، به ساری اصلان اظهار مرحمت فرمودند، شنیدم به امین‌السلطان حکم فرموده بودند که عذرخواهی نماید...» (۲)

۱. رضاقلی هدایت، روضة‌الصفاء، جلد دهم، ص ۵۲۷.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات یادداشت‌ها، ایرج افشار، تهران،

باز یکبار دیگر که به شوخی علاءالدوله دستور داده بود نوکرها اسب او را بدزدند، و او که بیدار بود نگذاشته بود، «ساری اصلان با قمه کشیده بیرون آمده بود و علاءالدوله فرار کرده بود، صبح شکایت را به شاه عریضه می‌کند و تقصیر را به گردن ساری اصلان می‌گذارد، شاه امراً امین‌السلطان و شجاع‌السلطنه را احضار فرمودند و قرار شد که شجاع‌السلطنه، علاءالدوله و ساری اصلان را در منزل خودش دعوت نماید و اصلاح کند.»^(۱)

و باز او، همان کس است که وقتی حکومت کنگاور را به امیر نظام گروسی دادند، «... ساری اصلان و برادرش، طناب‌ها به گردن بسته و سر طناب‌ها را به چراغ‌های جلو اطاق همایون استوار نموده بست نشستند، غرضشان این بود که به چه جهت حکومت کنگاور را که از زمان سلاطین گورکانی به اجداد اینها داده شده به حسنعلی خان امیرنظام دادند - یا این که از بدو سلطنت شاهنشاه حالیه الی اکتون ساری اصلان سفرماً و حضراً پشت اطاق یا چادر مخصوص پادشاه شب‌ها بیتوته می‌کند.... ساری اصلان و کسانش متحمل این ننگ نشده به این شکل عارض شدند و از پیش بردند که کنگاور از حکومت امیر نظام مجزا شد...»^(۲)

خوب آدمی با این موقعیت شب خوابی می‌بیند که خودش آن را در کنار رساله شاکی کوه‌بنانی می‌نویسد و مهر می‌کند و آن این است: «... بسم‌الله الرحمن الرحیم، هو، دیشب نیمه ماه رجب‌المرجب ۱۳۰۱ سنه پیچی ٹیل، در عالم رؤیا، شخصی آمد، گفت: رحمت‌الله، تو را جناب رسول خدا خاتم پیغمبران صلی‌الله علیه و آله احضار فرموده‌اند. اطاعت کرده در باغی که قصر

(دهم ربیع‌الاول ۱۳۰۵ هـ. = ۲۷ نوامبر ۱۸۸۷ م)

۱. همان، (چهارم ذیحجه ۱۳۰۹ هـ. = آخر ژوئن ۱۸۹۲ م)

۲. همان، (پنجشنبه غره شوال ۱۳۱۲ هـ. = ۲۸ مارس ۱۸۹۵ م)

نگاهی به پیشینه خاندان ساری اصلان افشار ۱۹

بسیار عالی داشت به حضور ساطع النور مبارک شرفیاب شدم، فرمایش فرمودند که [سادات] کوه بنانی کرمان که مهمان تو می باشند چرا معطل کرده اند، برو به میرزا یوسف [مستوفی بگو] البته کارشان را به زودی تمام بکند آسوده باشند. این کمترین بنده [؟] (۱) آن روز حسب الحکم آنچه در خواب فرمایش شده بود به خدمت حضرت صدر اعظم مدظله العالی تفصیل خواب و فرمایش را عرض کردم، فوراً سادات را خواستند، به مهر، مهر آثار مبارک اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون (روحی فداه) و روح العالمین، و مهر صدارت رسانیده، برای دوام دولت و شاهنشاهی روح العالمین فداه، سادات را خوشحال فرمودند...»

«ساری اصلان» (۲)

من [باستانی] گمان دارم، آنجا که یک بار کار ساری اصلان با امین السلطان صدر اعظم به فحش و فحش کاری رسیده، مربوط به یکی از شکایات همین سادات کوه بنانی، و به هر حال امثال او، باشد، آنجا که اعتماد السلطنه می نویسد: «... صبح درب خانه رفتم، تفصیلی شنیدم که ظاهراً دو روز قبل، ساری اصلان، عریضه ای به شاه داده بود، شاه رجوع به وزیر اعظم می فرمایند، ساری اصلان عرض کرده بود، ایشان را نمی شد دید، و نه به عرض می رسد؛ با وجود این تأکید فرموده بودند، کلاً نزد او برو، او هم رفته بود.

امین السلطان بعد از آنکه به شخص همایون چند فقره بی ادبی کرده بود، به خود ساری اصلان فحش داده بود، او هم همان فحش ها را به خود امین السلطان رد کرده بود... بعد از آن فحش که ساری اصلان به امین السلطان [اتابک] داده

۱. علامت سؤال از متن کتاب فرمانفرمای عالم است.

۲. محمد ابراهیم باستانی پاریزی، فرمانفرمای عالم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸، صص

۴۰۱-۴۰۵ ← حاشیه خاطرات ابوالحسن کوه بنانی، ص ۳۸.

بود، دیگر وزیر اعظم صبح‌ها خیلی زود درب خانه می‌آید، عصرها دیر می‌رود، قدری آرام شده!»^(۱)

«به هر حال، رحمت‌الله خان ساری اصلان... صبح همان شب به خانه جناب مستطاب اجل اکرم آقا «مستوفی الممالک» رفته، و تفصیل واقعه را به عرض رسانیده، فرمودند که ان‌شاءالله کار حضرات سادات را تمام می‌نمایم، و روز نوزدهم طومار را مهر کرده، و ده عدد پنج‌هزاری طلا هم مرحمت فرمودند، وعده مخارج راه و مال هم فرمودند....

ساری اصلان، چنان محو و مبهوت این خواب بوده، که در آخر رساله ابوالحسن خان مجدداً شرحی نوشته و مهر کرده، ...»^(۲)

به همین صورت در تمامی مآخذ دوره قاجاریه (عصر ناصری) حکومت کنگاور به نام ساری اصلان ثبت شده است.^(۳)

رحمت‌الله خان ساری اصلان در سفر عتبات ناصرالدین شاه از ملتزمین رکاب شاهی بود، و در بازگشت از عتبات ناصرالدین شاه در عمارت حکومتی کنگاور که منزل ساری اصلان بود، منزل کرد، که در سفرنامه عتبات می‌نویسد: « دو ساعت به غروب مانده به قصبه کنگاور نزدیک شدیم، اسب خواستم سواره به طرف عمارات و حیاط ساری اصلان رفتم که عمارت پدری و اجدادی اوست. از بناهای فرج‌الله خان مرحوم و امان‌الله خان و غیره است؛ پیاده شده داخل عمارت و حیاط و باغچه شدم، سی سال پیش که نه ساله بودم همراه شاهنشاه

۱. همان ← (مهدی بامداد، تاریخ رجال ایران، ج ۲، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۷، ص ۴۸۱). استاد باستانی پاریزی مرقوم فرموده‌اند: متأسفانه روز و ماه آنچه بامداد یادداشت کرده، با متن خاطرات چاپ افشار مطابق نیست.

۲. محمدابراهیم باستانی پاریزی، همان، صص ۴۰۵ - ۴۱۰

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، تهران، انتشارات سنایی، چاپ سنگی (قطع رحلی)، ص ۵۷.

نگاهی به پیشینه خاندان ساری اصلان افشار ۲۱

مرحوم محمد شاه مراجعت از سفر اصفهان، به کنگاور آمدیم. در همین عمارت منزل کرده بودیم و درست خاطریم هست آنچه آن وقت دیدم بعینها موجود است. رفتیم در تالار نشستیم. یک ایوان تالار است، جلو تالار دیگر در عقب بخاری هم داشت. دو بالاخانه جنبین تالار بود؛ یکی از آنها تلگرافخانه است، زیرا بالاخانه‌ها اطاق‌های متعدد داشت. جلوی تالار حوض و کنار حوض سکویی بود و زیر سکو باغچه مربع طولانی، دیوارهای اطراف آن محوطه کوتاه صحرای کنگاور هم پیدا بود...»^(۱)

در غیاب فرج‌الله خان و امان‌الله خان فرزند دیگرش عبدالله خان و در عدم حضور رحمت‌الله خان، محمدعلی خان فرزند عبدالله خان در کنگاور حکومت می‌کردند، چنان که ادیب‌الملک در سفر خود به عتبات که به سال ۱۲۷۳ قمری صورت گرفته، می‌نویسد: «حاجی محمدعلی خان حاکم [کنگاور] از آمدنم مطلع شده، منزل مهیا کرده بود و با آن همه برف و بوران خاطریم در آنجا آسوده، بعد از رسیدن بنده در آنجا خان بابا خان افشار نیز با برادرانش از سعدآباد [اسدآباد] رسید و مجلس را گرم کردند.»^(۲)

در دوره مظفری تا انقراض قاجاریه امان‌الله خان سرتیپ فرزند رحمت‌الله خان ساری اصلان، بزرگ خاندان ساری اصلانی و حکمران کنگاور بود، سدیدالسلطنه بوشهری در سفرنامه خود از وی نام می‌برد و می‌نویسد: «و کنگاور تیول ساری اصلان است و امان‌الله خان فرزند ساری اصلان حکومت آنجا می‌نمایند.»^(۳)

۱. ناصرالدین شاه، سفرنامه عتبات، خوشنویسی میرزا محمدرضا کلهر، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، افسس، ص ۲۳۴

۲. ادیب‌الملک، سفرنامه عتبات، مسعود گلزاری، تهران، نشر اخضر، ۱۳۶۲، ص ۲۶۴.

۳. محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی، التدقیق فی سیرالطریق، احمد اقتداری، تهران، انتشارات بهنشر، بی‌تا، ص ۳۱۱.

امان‌الله خان سرتیپ (ساری اصلان دوم) در ایام کودکی به سن (۹ سالگی) به وزارت و نیابت زین‌العابدین خان از وابستگان و بنی‌اعمام خود از سوی پدر به حکومت کنگاور منصوب می‌گردد. ایام حکومت امان‌الله خان دوران بحرانی و پرحادثه‌ای بوده است، مقارن با انقلاب مشروطیت و سپس اوضاع نابسامان جنگ جهانی اول تا انقراض قاجاریه که امان‌الله خان در این ورطه به خوبی از امتحان درآمد و شایستگی خود را به اثبات رساند. وی در یادداشت‌های حاضر که آقای رحمت‌الله ساری اصلانی در اختیارم گذاشت کیفیت آمدن خود به کنگاور را ثبت کرده و براساس مفاد یادداشت مزبور در نهضت مشروطیت، با رنج‌ها و مصیبت‌هایی که اردوی دولتی و فرمانفرما و همچنین سالارالدوله و لشکریان او بر مردم به ویژه اهالی کنگاور روا می‌داشته‌اند و نقش خطیر امان‌الله خان در این ماجرا که با توجه به موقعیت جغرافیایی کنگاور اهالی در هر جنگ و گریزی در معرض هجوم غالب و مغلوب بودند، اما ساری اصلان میل باطنی به جانب یارمحمد خان (سردار مجاهد) داشته و با وی همدلی می‌نموده و در جنگ و گریزها به او یاری فراوان می‌کرده است.^(۱)

از دروازه کرمانشاهان تا گردنه اسدآباد هر خواسته از سوی متخاصمین به امان‌الله خان سرتیپ محول می‌گردید، چنان که شیخ محمد مردوخ ارسال آذوقه از سوی ساری اصلان برای عقبه اردوی سالارالدوله را به تقاضای ایلخانی بیان داشته است^(۲) و فریدالملک قراگزلو می‌نویسد: «در شوال ۱۳۲۷ هجری قمری که راهزنان کاکاوند راه را در بین بیستون و کنگاور بر آقا سیدعبدالله بهبهانی گرفته بودند، حاجی ساری اصلان سواره بوده ایشان را سالمأ و با احترام وارد کنگاور

۱. یادداشت‌های امان‌الله خان سرتیپ (ساری اصلان)

۲. شیخ محمد مردوخ، تاریخ‌گرد و کردستان و توابع، سنندج، انتشارات غریقی، ۱۳۵۲، ص